



دانشگاه قم  
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فقه سیاسی

عنوان:

# تأثیر فقه حکومتی بر ابواب معاملات فقه

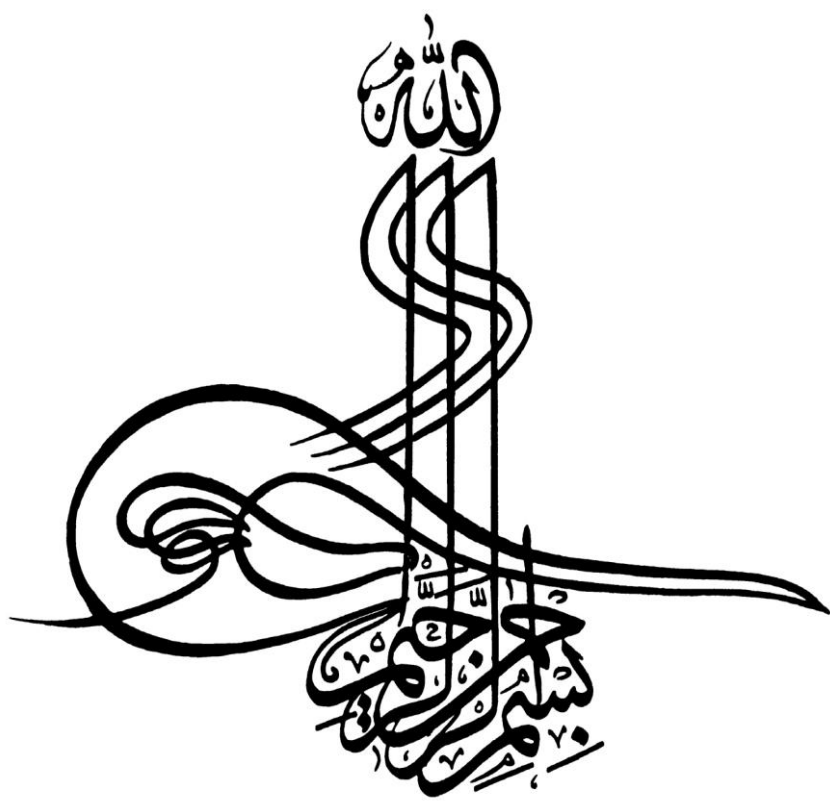
استاد راهنما:

دکتر محمدعلی راغبی

نگارنده:

حامد نوری

زمستان ۱۳۹۵



## تقدیم به:

پدر و مادر

و همسر

و تقدیم به پیشگاه حضرت صاحب العصر والزمان به امید گوشه چشمی

## تقدیر و تشکر:

تقدیر و تشکر از همه کسانی که در نگارش این رساله زحمات فراوان کشیده‌اند  
بخصوص از همسر و فرزند دلبندم.

## چکیده

در این رساله به تاثیر فقه حکومتی در ابواب معاملاتی فقه پرداخت شده است و بیان شده است که عینیت یافتن و تحقق دین و فقه مبتنی بر حکومت است و اینکه رویکرد فقه حکومتی باعث پویایی و فعال بودن فقه در همه ساحت‌ها و شوون فردی و جمعی مکلفین، می‌شود. از طرف دیگر یکی از مهم‌ترین عرصه‌های اجتماع عرصه معاملات و قراردادهای بین مردم است که طبق اصل آزادی اراده به معامله با یکدیگر اقدام می‌نمایند. با رجوع به آموزه‌های اسلام و منابع فقه، دریافت می‌شود که در مورد معاملات، حکومت اسلامی دارای وظایفی است که این وظایف موجب اختیارات بیشتر و البته در قبال آن مسئولیت و تکالیف بیشتری را برعهده حکومت می‌گذارد. فقه حکومتی قابلیت این را دارد که براساس شرایط زمانی و مکانی، و نیز با در نظر گرفتن مصلحت نوعی مسلمین، به منظور تحقق بخشیدن به عدالت و نظم در جامعه اسلامی اقداماتی و تکالیفی را برای مردم وضع و جعل نماید و مردم هم موظف به رعایت آن‌ها هستند. چرا که براساس ولایت مطلقه فقیه، و نیز اصولی مانند عنصر مصلحت و حفظ نظام اسلامی، ولی امر دارای این اختیارات می‌باشد. این تحقیق شامل کلیات و مفاهیمی از فقه حکومتی و بیان تلقی و معنای صحیح آن و بیان مبانی فقهی اصل آزادی اراده در فقه است و مبانی و ادله ای که اثبات می‌کند حکومت اسلامی باید به منظور اینکه بستر و زمینه مناسبی را برای رشد و تعالی مسلمین فراهم سازد، به دخالت و تصرف در حوزه معاملات بین مردم بپردازد و تعزیرات حکومتی به عنوان ضمانت اجرا به منظور عینیت بخشیدن به تصرفات حکومت در نگاه حکومتی به فقه در نظر گرفته شده است. در این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و با رجوع به منابع کتابخانه‌ای به این مباحث پرداخت خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** فقه حکومتی، حکومت اسلامی، آزادی اراده در معاملات.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۱	۱. تعریف مسأله و بیان سوالات تحقیق.....
۲	۲. سوالات تحقیق.....
۲	الف: سؤال اصلی.....
۲	ب: سؤال فرعی.....
۲	۳. سابقه و پیشینه تحقیق.....
۲	۴. ضرورت انجام تحقیق.....
۳	۵. فرضیه‌ی تحقیق.....
۳	۶. اهداف تحقیق.....

## فصل اول: کلیات

۵	۱-۱. تعریف فقه.....
۶	۲-۱. مفهوم حکومت.....
۸	۳-۱. مفهوم فقه حکومتی.....
۹	۱-۳-۱. تلقی اول: فقه حکومتی به معنی فقه سیاسی.....
۹	۲-۳-۱. تلقی دوم: فقه حکومتی به معنی فقه احکام حکومتی.....
۱۰	۳-۳-۱. تلقی سوم: فقه حکومتی به معنی نظام و نظریه سیاسی و حکومتی اسلام.....
۱۱	۴-۳-۱. تلقی چهارم: فقه حکومتی به معنی رویکرد و نگاه حکومتی به فقه و اجتهاد.....
۱۳	۵-۳-۱. تلقی پنجم: فقه حکومتی به معنی فقه اجتماعی.....
۱۳	۶-۳-۱. تلقی ششم: فقه حکومتی به معنی فقه ولایی.....
۱۶	۴-۱. موضوع فقه حکومتی.....
۱۷	۵-۱. تاریخچه و پیشینه‌ی فقه حکومتی.....

- ۱-۵-۱. عصر محجوریت و دوری شیعه از حکومت..... ۱۸
- ۱-۵-۲. صفویه عصر حضور فقهای شیعه در حاکمیت..... ۱۸
- ۱-۵-۳. دوره مشروطه..... ۱۹
- ۱-۵-۴. انقلاب اسلامی..... ۲۰
- ۶-۱. مفهوم مصلحت..... ۲۰
- ۷-۱. مفهوم حکم حکومتی..... ۲۴
- ۸-۱. مفهوم معاملات..... ۲۶

## فصل دوم:

### اصل آزادی اراده در باب معاملات

- ۱-۲. مفهوم اصل آزادی اراده در معاملات..... ۳۲
- ۲-۲. مبانی فقهی آزادی اراده در معاملات..... ۳۲
- ۱-۲-۲. المؤمنون عند شروطهم..... ۳۳
- ۱-۲-۲-۱. اطلاق لفظ شرط بر عقد..... ۳۸
- ۲-۲-۱-۲. شرایط صحت شروط..... ۳۹
- ۲-۲-۱-۳. دلیل وجوب وفاء به شرط..... ۴۱
- ۲-۲-۲. اوفوا بالعقود..... ۴۲
- ۱-۲-۲-۲. معنای آیه اوفوا بالعقود..... ۴۲
- ۲-۲-۲-۲. نحوه استدلال به آیه اوفوا بالعقود..... ۴۴
- ۲-۲-۲-۳. اشکالات اطلاق آیه «اوفوا بالعقود»..... ۴۶
- ۲-۲-۲-۴. جواب از ایرادات..... ۴۸
- ۱-۲-۲-۲-۴. جواب ایراد اول:..... ۴۸
- ۲-۲-۲-۲-۲. جواب از ایراد دوم:..... ۵۱
- ۲-۲-۲-۲-۳. جواب ایراد سوم:..... ۵۲
- ۲-۲-۲-۲-۴. جواب ایراد چهارم:..... ۵۲
- ۲-۲-۲-۳. صلح..... ۵۳
- ۲-۲-۳-۱. شرایط نفوذ صلح..... ۵۴

- ۵۶..... ۲-۲-۳-۲. دلایل مشروعیت صلح
- ۵۷..... ۲-۲-۳-۳. دلالت صلح بر اصل آزادی اراده در معاملات
- ۵۸..... ۲-۲-۴-۴. العقود تابعة للقصود
- ۵۸..... ۲-۲-۴-۱. معنا و دلالت قاعده
- ۶۱..... ۲-۲-۴-۲. مدرک قاعده
- ۶۳..... ۲-۲-۴-۳. تحلیل قاعده
- ۶۴..... ۲-۲-۵-۵. اصالة الصحة
- ۶۴..... ۲-۲-۵-۱. دلیل اعتبار این قاعده
- ۶۵..... ۲-۲-۵-۲. معنای اصل صحت در فقه اسلامی
- ۶۵..... ۲-۲-۵-۱. اصالت صحت در اعمال دیگران
- ۶۶..... ۲-۲-۵-۲. اصل صحت در عقود
- ۶۷..... ۲-۲-۶-۶. اصالة الإباحة

### فصل سوم:

### مبانی فقهی دخالت حکومت اسلامی در معاملات

- ۷۱..... ۳-۱-۱. اصول حاکم بر فقه حکومتی
- ۷۲..... ۳-۱-۱. تقدم اجتماع و حکومت بر عرصه‌های خصوصی و شخصی
- ۷۲..... ۳-۱-۲. توجه به نقش زمان و مکان
- ۷۴..... ۳-۱-۳. توجه به اهداف، مقاصد و روح احکام
- ۷۶..... ۳-۱-۴. توجه به حفظ نظام
- ۸۱..... ۳-۱-۵. توجه به عنصر مصلحت
- ۸۳..... ۳-۲-۲. حدود اختیارات ولایت مطلقه
- ۹۰..... ۳-۲-۱. نظارت فقیه
- ۹۰..... ۳-۲-۱-۱. نقد دیدگاه نظارت فقیه
- ۹۲..... ۳-۲-۲. دیدگاه منطقه الفراغ
- ۹۳..... ۳-۲-۲-۱. نقد دیدگاه منطقه الفراغ
- ۹۴..... ۳-۳-۳. مقید بودن اصل آزادی اراده در فقه



- ۹۵.....المؤمنون عند شروطهم. ۱-۳-۳
- ۹۶.....آیه شریفه اوفوا بالعقود: ۲-۳-۳
- ۹۷.....عقد صلح. ۳-۳-۳
- ۹۸.....اصل العقود تابعة للقصد. ۴-۳-۳
- ۹۹.....مصادیقی از موارد نقض این قاعده. ۵-۳-۳
- ۱۰۱.....اصل اباحه. ۶-۳-۳
- ۱۰۲.....محدود کردن آزادی اراده به وسیله قاعده لاضرر. ۴-۳
- ۱۰۲.....مدرک قاعده لاضرر. ۱-۴-۳
- ۱۰۳.....مفاد قاعده لاضرر. ۲-۴-۳
- ۱۰۶.....قلمرو قاعده. ۳-۴-۳
- ۱۱۰.....موارد دخالت حکومت در باب معاملات. ۵-۳
- ۱۱۱.....احتکار. ۱-۵-۳
- ۱۱۱.....معنای احتکار. ۱-۱-۵-۳
- ۱۱۲.....ادله حرمت احتکار. ۲-۱-۵-۳
- ۱۱۲.....قرآن. ۱-۲-۱-۵-۳
- ۱۱۳.....سنت. ۲-۲-۱-۵-۳
- ۱۱۸.....اجماع. ۳-۲-۱-۵-۳
- ۱۱۹.....دلیل عقلی. ۴-۲-۱-۵-۳
- ۱۱۹.....موارد احتکار. ۳-۱-۵-۳
- ۱۲۲.....اقدامات حکومتی نسبت به احتکار. ۴-۱-۵-۳
- ۱۲۲.....اجبار به فروش. ۱-۴-۱-۵-۳
- ۱۲۴.....تسعیر. ۲-۴-۱-۵-۳
- ۱۲۵.....مجازات محتکر. ۳-۴-۱-۵-۳
- ۱۲۵.....تلقی رکیبان. ۲-۵-۳
- ۱۲۶.....ادله قائلین به کراهت تلقی رکیبان. ۱-۲-۵-۳
- ۱۲۷.....جواب از ادله قائلین به کراهت. ۲-۲-۵-۳
- ۱۲۷.....ضعف سند و دلالت. ۱-۲-۲-۵-۳
- ۱۲۷.....مخالفت با مشهور. ۲-۲-۲-۵-۳

- ۱۲۷ ..... ۳-۵-۲-۲-۳. مخالفت با اصل
- ۱۲۸ ..... ۳-۵-۲-۳. بررسی مبنای حرمت یا کراهت تلقی رکبان
- ۱۲۸ ..... ۳-۶-۶. ضمانت اجرای دخالت حکومت اسلامی در معاملات
- ۱۳۰ ..... ۳-۶-۱. تعزیر
- ۱۳۱ ..... ۳-۶-۲. تعزیر در اصطلاح فقها
- ۱۳۲ ..... ۳-۶-۳. تعزیرات حکومتی
- ۱۳۲ ..... ۳-۶-۴. مبانی فقهی تعزیرات حکومتی
- ۱۳۳ ..... ۳-۶-۴-۱. اطلاق ادله ولایت فقیه
- ۱۳۶ ..... ۳-۶-۴-۲. فرمان به لزوم حضور در مسجد
- ۱۳۷ ..... ۳-۶-۴-۳. حفظ نظام
- ۱۳۸ ..... ۳-۶-۵. تعزیرات حکومتی در سیره پیامبر اکرم (ص) و حضرت امیرالمؤمنین (ع)
- ۱۴۰ ..... نتیجه گیری
- ۱۴۲ ..... فهرست منابع و مأخذ

## مقدمه

### ۱. تعریف مسأله و بیان سوالات تحقیق

در فرآیند استنباط مسائل فقهی روش‌ها و رویکردهای مختلفی موجود است، یکی از این روش‌ها رویکرد حکومتی به فقه است که در نتیجه آن فقیه به برداشتی از منابع و ادله فقهی نائل می‌شود که با فقه سنتی و رویکرد فردی به فقه متفاوت و متمایز است چرا که در فقه حکومتی، نهاد حکومت اسلامی به منظور اداره کردن افراد جامعه نقش اساسی و محوری دارد و فقیه با در نظر داشتن اداره جامعه و تعیین کردن تکالیف افراد در بستر اجتماع و حکومت به استنباط و بررسی ادله می‌پردازد و توجه داشتن فقیه به شرایط زمانی و مکانی، و عنصر مصلحت و نیز توجه به حفظ نظام رکن اساسی را در استنباط ایفا می‌نماید.

یکی از ابواب و ساحت‌هایی که به طور کامل مربوط به حوزه حکومت و اجتماع است، باب معاملات و قراردادها است. که افراد براساس ادله موجود براساس اصل آزادی اراده در معاملات و سایر شرایط به تعامل با یکدیگر می‌پردازند و نیازهای خود را رفع می‌نمایند. اما لازم و ضروری است که حکومت اسلامی به منظور تحقق بخشیدن به هدایت و تأمین سعادت اخروی و نیز دنیوی افراد به دخالت در حیطه معاملات بپردازد و نسبت به آن بی‌تفاوت و ساکت نباشد چرا که طبق مبانی موجود در فقه، حکومت اسلامی و ولی‌أمر جامع‌الشرایط باید تکالیف افراد را روشن نماید و به تدبیر و تنظیم مناسبات بین مردم اقدام نماید.

## ۲. سؤالات تحقیق

### الف: سؤال اصلی

ادله و دلایل فقهی و شرعی دخالت حکومت اسلامی در معاملات اشخاص چیست؟

### ب: سؤالات فرعی

اصول و ویژگی‌های فقه حکومتی چیست؟

ضمانت اجرای حکومت اسلامی، برای تبعیت مردم از قوانین وضع شده از طرف حاکم

اسلامی چیست؟

## ۳. سابقه و پیشینه تحقیق

با توجه به جدید بودن بحث تأثیر فقه حکومتی بر معاملات، مکتوبات چندین به بازار نشر نرسیده است البته آثاری پیرامون فقه سیاسی و ولایت فقیه به صورت غیر مستقیم و گاه مستقیم به این بحث پرداخته‌اند که البته صرفاً به بیان کلیات و اصل بحث فقه حکومتی پرداخت شده است.

کتابی مانند: ولایت فقیه و کتاب البیع امام خمینی (ره) العناوین الفقهیه اثر میرعبدالفتاح مراغی، فقه سیاسی نوشته مرحوم عمید زنجانی، در این زمینه راهگشا می‌باشد.

## ۴. ضرورت انجام تحقیق

با توجه به اینکه دین مبین اسلام، تأمین کننده سعادت دنیوی و اخروی بشر است بدین منظور می‌بایست ظرفیت فقه در عرصه اداره و تدبیر جامعه اسلامی به طور کامل و دقیق تبیین گردد و نشان داده شود که فقه توانایی پاسخ‌گویی به هر نیاز و امر جدیدی که در مورد تعاملات مردم بین خودشان مخصوصاً در زمینه معاملات، که در بستر حکومت اسلامی اتفاق می‌افتد را به نحو کامل و جامع دارا می‌باشد.

## **۵. فرضیه‌ی تحقیق**

۱. اطلاق داشتن ادله شرعی در زمینه اختیارات ولایت فقیه و اصول حاکم بر فقه حکومتی مبنای دخالت حکومت اسلامی در باب معاملات است.

۲. در رویکرد حکومتی به فقه عنصر مصلحت و تقدم منافع عمومی بر خصوصی و اساسی بودن توجه داشتن به قاعده حفظ نظام و توجه به اهداف و روح احکام از اصول حاکم بر فقه حکومتی است.

۳. تعزیرات حکومتی ضمانت اجرای تحقق یافتن و عملی شدن قوانین جعل شده از سوی حکومت است.

## **۶. اهداف تحقیق**

تبیین فقه حکومتی و بیان کردن غیر کارآمد بودن و داشتن نگرش فردگرایانه به فقه و نیز بیان ثمرات داشتن رویکرد حکومتی به فقه در عرصه معاملات از اهداف مهم تحقیق می‌باشد.

## فصل اول:

### کلیات

## ۱-۱. تعریف فقه

از بررسی کتاب‌های لغت مشخص می‌شود که فقه در سه معنای اصلی علم، فهم و خلاقیت (تیز فهمی) به کار رفته است. در یک کاربرد، فقه به معنای علم و آگاهی بوده، که خود به دو گونه مطلق آگاهی<sup>۱</sup> و آگاهی خاص (همراه با تأمل) تقسیم شده است. که طبق این کاربرد در بیان تفاوت واژه فقه با علم گفته شده است:

فقه عبارت است از آگاهی به مقتضای کلام که در اثر تأمل در آن به دست می‌آید، از این رو گفته نمی‌شود که خداوند فقاهت می‌کند، زیرا تأمل کردن خداوند معنا ندارد، اما دیگری را مخاطب قرار می‌دهیم و می‌گوییم: تفقه ما أقوله ای تأمله یعنی در آنچه می‌گویم تأمل کن تا آن را بشناسی، در این جا واژه فقه جز در مورد کلام به کار نمی‌رود<sup>۲</sup>. در کاربردی دیگر، فقه به معنای فهم و آن هم به چند گونه مورد استفاده قرار گرفته است. مطلق فهم<sup>۳</sup>، فهم مراد متکلم<sup>۴</sup>، فهم دقیق و عمیق<sup>۵</sup> و فهم دقیق معانی<sup>۶</sup> از جمله موارد این استعمال می‌باشد.

طانت و تیز فهمی نیز کاربرد سومی است که علاوه بر دو کاربرد فوق برای واژه فقه وجود دارد<sup>۷</sup>. به نظر می‌رسد که می‌توان گفت که بازگشت همه معانی به مفهوم فهم است.

۱. فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۳۷۰؛ ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۳، ص ۴۶۵؛ فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۷۹؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۵۵.
۲. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآنی، ج ۹، ص ۱۲۳.
۳. جوهری، تاج اللغه، ج ۶، ص ۲۲۴۳؛ راغب اصفهانی، مفردات راغب، ص ۶۴۲.
۴. جوزیه، اعلام الموقعین، ج ۱، ص ۲۰۹.
۵. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱، ص ۱۲۳؛ راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۸۴.
۶. عاملی (شهید ثانی)، منبیه المرید، ص ۳۷۴.
۷. زبیدی، تاج العروس، ج ۹، ص ۴۰۲؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۵۲۳-۵۲۲.

در قرآن واژه فقه مورد استعمال قرار نگرفته است، اما مشتقات دیگر این ماده، مکرر به کار رفته است، و در تمام این کاربردها، به معنای لغوی آن (مطلق فهم) می‌باشد.

این واژه در بستر تاریخی دینی خویش، چندین بار با توضیح روبرو شده است، ابتدا از عمومی که داشت خارج گردید و به معنای علم به شریعت اسلام مورد استفاده قرار گرفت. فقه در این کاربرد مرادف فهم و علم به دین اسلام<sup>۱</sup>، و فقیه به معنای شخص آشنا به مجموعه این دین است. تعبیر فقه اکبر به معنای فهم مجموعه دین، یادآور این کاربرد است.

این واژه بار دیگر با حصر در کاربرد مواجه شد، و در معنای علم به حلال و حرام و احکام عملی و قراردادی از دین اسلام، به کار رفت.

ابن فارس می‌گوید: فقه پس از اینکه بر هر نوع آگاهی اطلاق می‌شود، در خصوص علم به شریعت استعمال گردید، از این رو فقیه را بر عالم به حلال و حرام اطلاق می‌نمایند<sup>۲</sup>. تعبیر فروع فقهی در کنار اصول اعتقادی و فقه اصغر، یادآور این کارایی است.

معنایی که مراد ما، از فقه در این تحقیق است، اصطلاح معروف کنونی آن است. در این اصطلاح فقه بر مجموعه قضایایی اطلاق می‌شود که کاشف از حلال و حرام و اعتبارات الهی است، قضایایی که با تلاش و اجتهاد فقیه از منابع و مستندات شرعی استخراج می‌شود.

## ۱-۲. مفهوم حکومت

حکومت در لغت از ریشه (حکم) به معنای قضاوت کردن، داوری کردن، منع کردن، فیصله دادن و کار سرزمینی را برعهده گرفتن و... می‌باشد<sup>۳</sup>. در این باره گفته شده است، حکومت که مصدر دوم حَكَمَ يَعْكُمُ حُكْمًا است وقتی با حرف تعدیه باء حکم بالأمر یا لام حکم الرجل یا علی حکم علی الرجل متعدی شود، به معنای قضاوت و فصل خصومت و نزاع است. اما اگر با

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۵۲۲.

۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۴۴۲.

۳. زبیدی، تاج العروس، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۶۰؛ ابن منظور، لسان العرب، پیشین، ج ۱۲، ص ۱۴۱؛ فراهیدی، کتاب

العین، پیشین، ج ۳، ص ۶۷.



حرف فی همراه باشد حکم فی البلاد به معنای عهده‌دار شدن اداره شئون بلاد و برطرف کردن ظلم و اقامه عدل است.<sup>۱</sup>

در اصطلاح حکومت عبارت است از مجموعه نهادهای فرمانروا، وظایف و اختیارات هر کدام از آنها و روابطی که میان اندام‌های حکومتی موجود است.<sup>۲</sup> یا حکومت عنوان کلی کاری است که در اصطلاح از دولت از آن رو که دولت است، سر می‌زند.<sup>۳</sup> در تعریف دیگر گفته می‌شود حکومت عبارت سات از سلطه نظم‌دهنده اجتماع و در مصطلح امروزی، حکومت به مجموعه مرکب از قدرت‌های سه‌گانه - تشریح، تنفیذ و قضا گفته می‌شود.<sup>۴</sup>

واژه حکومت به اجمال و در یک هسته معنایی مشترک به عبارت از مدیریت و تولی امر یک جامعه و تنظیم و رتق و فتق نظام حیات انسان‌ها است. از همین ترسیم اجمالی روشن است که حکومت به تبع زندگی اجتماعی انسان و وجود جامعه و در راستای تنظیم حیات او، معنا پیدا می‌کند.<sup>۵</sup>

مفهوم حکومت در اندیشه امام خمینی (ره) به معنای ولایت و سرپرستی مردم است که خداوند آن را به پیامبران و اولیاء و پس از آن به عالمان دین واگذار کرده است. این ولایت، ولایت تکوینی نیست بلکه از احکام مجبهور است که براساس آن خدای متعال برای نبی اکرم (ص) و اولیاء، حق سرپرستی نسبت به همه شئون اجتماعی و فردی مسلمانان را جعل کرده و این حق، حکم اولیه اسلام است.

ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، یک وظیفه سنگین و مهم است... به عبارت دیگر ولایت مورد بحث، یعنی حکومت و اجرا و اداره.<sup>۶</sup>

---

۱. ناصر مکارم شیرازی، دائره‌المعارف فقه مقارن، ص ۵۲۱.

۲. ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج ۱، ص ۴۲۲.

۳. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی: باقر ساروخانی، ص ۱۵۲.

۴. عمید زنجانی، فقه سیاسی، پیشین، ج ۱، ص ۹۴.

۵. ابوالفضل قاضی، پیشین، ص ۱۷۶.

۶. سیدروح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص ۵۱.

### ۱-۳. مفهوم فقه حکومتی

فقه حکومتی یا رویکرد حکومتی به فقه از تعابیری است که اخیراً مطرح شده و کاربرد پرسابقه ای ندارد از این رو معنای اصطلاحی روشنی نیافته است. قبل از تعریف فقه حکومتی، به عنوان مقدمه باید بگوییم که همواره دو نگاه نسبت به فقه وجود داشته است:

الف: نگاه فردگرایانه: در این نگاه فقیه در صدد است تا وظایف افراد و آحاد مسلمانان را روشن کرده و مشکلاتی را که در مسیر اجرای احکام پیش می آید مرتفع سازد. این نگاه تقریباً نگاه غالب تمامی دوره‌ها، مدرسه‌ها و مکاتب فقه بوده است. این نگاه از آن جهت بر فقه شیعه سیطره داشته که فقهاء هیچ‌گاه فرصت حکومت نداشته اند.

ب: نگاه اجتماعی و حکومتی: این نگاه مبتنی بر اینست که افراد به جز هویت فردی‌شان، تشکیل دهنده یک هویت جمعی به نام جامعه نیز می‌باشند. یعنی در این نگاه، فرد در درون امت، معنی پیدا کرده و در جمع و جامعه بالنده می‌شود این هویت جمعی نیز موضوع احکامی است و فقیه می‌بایست دو نوع موضوع را بشناسد و احکام هر یک را روشن کند. آن هم نه جدا از یکدیگر بلکه این دو هویت جدایی ناپذیرند و تفکیک این دو زمینه کشیده شدن به نگاه اول را فراهم می‌کند با قبول دیدگاه دوم، زمینه برای طرح مسأله‌ای به نام فقه حکومتی در برابر فقه فردی معنا می‌یابد.<sup>۱</sup>

در این جا لازم است برداشت‌ها و تلقی‌هایی که از فقه حکومتی ارائه شده است را بیان کنیم:

---

۱. سید سجاد ایزدهی، نقد نگرش‌های حداقلی در فقه، ص ۴۴.

### ۱-۳-۱. تلقی اول: فقه حکومتی به معنای فقه سی‌اسی

در این دیدگاه؛ فقه حکومتی به معنای فقه سیاسی اسلام است که در لابه‌لای کتاب القضاء، کتاب الجهاد، کتاب الحدود و مانند آن متجلی است و فقیه مقصدی کشف و استنباط آن از منابع معتبر می‌شود.<sup>۱</sup>

در این نگاه حکومتی بودن، ناظر به بخشی از فقه است که فقیه درصدد فهم آن است. برخی بین فقه سیاسی و فقه الحکومه تمایزاتی قائلند. بر این مبنا فقه الحکومه، فقهی است که به احکام مبتلا به حکومت می‌پردازد و بخشی از احکام و دستورات فقهی است که مستقیم با اداره جامعه مرتبط است.<sup>۲</sup> اما فقه سیاسی، آن بخشی از فقه است که احکام فعالیت‌ها و رفتارهای معطوف به قدرت را بیان می‌کند، چه فعالیت‌هایی در مقام کسب قدرت، چه فعالیت‌هایی در مقام حفظ و تثبیت قدرت. یعنی فقه الحکومه، بر اعمال قدرت در بستری معین متمرکز است، اما فقه سیاسی با همه ابعاد قدرت سروکار دارد. چرا که سیاست‌ورزی شامل کسانی هم خواهد شد که قدرت را در دست ندارند اما به نحوی با آن مرتبط‌اند.<sup>۳</sup>

### ۱-۳-۲. تلقی دوم: فقه حکومتی به معنی فقه احکام حکومتی

در این تلقی به فقه حکومتی به معنای فقه احکام حکومتی است که حاکم از موضع حکمرانی خود صادر می‌کند.<sup>۴</sup>

برخلاف فقه حکومتی به معنی فقه سیاسی و که از مقوله اخبار است، این معنی از فقه حکومتی از مقوله انشاء است و عبارت است از: انشائاتی که حکومت مشروع اسلامی در راستای اهداف خود و برای اداره جامع صادر می‌کند. تفاوت حکم حکومتی و حکم شرعی از جهت مصدر داست که مصدر احکام کلی الهی، خداوند است و مصدر انشای حکم حکومتی، حکومت و

۱. رضا اسلامی، اصول فقه حکومتی، ص ۲۴.

۲. سعید ضیایی‌فر، درآمدی بر رویکرد حکومتی به فقه، ص ۳۰.

۳. عبدالحمید ابوالحمد، مبانی سیاست، ص ۱۱.

۴. رضا اسلامی، اصول فقه حکومتی، پیشین، ص ۲.

حاکم شرع است. واژه حکومتی در این جا ناظر به حکم حاکم در شرایط خاص است. با توجه به اصول کلی حاکم بر شریعت - به حکم می پردازد. تفاوت دیگر این است که حکم شرعی بیان کننده حکم دائم شرعی است ولی حکم حکومتی حکمی موقتی و برای شرایط زمانی و مکانی خاصی است!

### ۱-۳-۳. تلقی سوم: فقه حکومتی به معنی نظام و نظریه سیاسی و حکومتی اسلام

فقه حکومتی در این معنا، اجتهادی تخصصی است که به کشف و دریافت احکام شرعی و موضوعات برخوردار از ماهیت سیاسی و حکومتی از یک طرف و کشف نظام و نظریه سیاسی و حکومتی اسلام از طرف دیگر می پردازد. یعنی ما احکام همسو و مرتبط با هم داریم که از دل آن ها منظومه های فقهی گوناگون به دست می آید و فقیه به کشف و استنباط این نظام می پردازد. منظومه اقتصادی، منظومه حکومتی، منظومه تربیتی، - این تفکر بر این مبنا استوار است که اسلام صرفاً به احکام پراکنده در موضوعات مختلف خلاصه نمی شود بلکه روحی در ورای این احکام وجود دارد که آن ها را به یکدیگر پیوند می زند.

در این زمینه یکی از پژوهشگران چنین می گوید: در این نگاه، خود احکام فقهی اعم از سیاست، اقتصاد، فرهنگی دارای نظام هستند و در ورای این احکام رובنایی احکام عمیق تر و زیربنایی تری داریم که حوزه مکتب و نظام اسلامی است و در آن جا نظام اقتصادی و مذهب اقتصادی محقق می شود... در یک مرحله از تعاریف (فقه حکومتی) فقه به مثابه یک سلسله حکم ملاحظه می شود که به صورت احکام کلیات از هم جدا و مفردات فقهی است که استنباط می شوند و موضوعات خارجی هم منفصل هستند که این احکام بر آن افراد منطبق می گردند. در مرحله دوم دستگاه فقه یک گام به پیش بر می دارد و به نظام توجه پیدا می کند، در این مرحله،